

تأثیر باورهای جنسیتی زنان شهر تهران بر ایفای نقش خانه‌داری

مجتبی صدقاتی فرد^{۱*} و ساناز حاجی محمدی^۲

چکیده

هدف این پژوهش، مطالعه تأثیر باورهای جنسیتی زنان شهری بر ایفای نقش خانه‌داری بود که با روش پیمایش، نمونه‌ای ۲۰۰ نفره از زنان زنان متأهل و خانه‌دار سنین ۲۰ تا ۷۰ سال مرکز شهر تهران (منطقه ۱۲) در سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفتند. روش این پژوهش از نظر هدف، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری، شامل تمام زنان متأهل گروه‌های سنی و منطقه یادشده بود. از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد و هر ناحیه از منطقه ۱۲ شهر تهران به عنوان یک خوشه در نظر گرفته و حجم نمونه از ۶ ناحیه از منطقه ۱۲ شهرداری تهران با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و بدست آمد. ابزار پژوهشی پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته بود که پس از اعتباریابی و پایایی سنجی، در خوشه‌های در نظر گرفته شده (نواحی منطقه ۱۲ شهر تهران) اجرا شد. پرسش‌نامه یادشده، براساس بررسی دیدگاه‌های گوناگون مربوط به باورهای جنسیتی و نقش خانه‌داری طراحی و تدوین شد تا روابط بین متغیرها را در قالب تعداد ۹ فرضیه مورد سنجش قرار دهد. یافته‌های پژوهش نشان داد باورهای زنان به سرپرستی انحصاری مرد در خانواده، تعهد به تربیت فرزند، الزام تمکین از شوهر، وظیفه مردان در تامین اقتصاد خانواده، فرهنگ مرد سالاری در خانواده و باورهای جنسیتی سنتی زنان با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه دارد و هم‌چنین، بین باورهای جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان در سنین گوناگون، تحصیلات و طول مدت ازدواج مختلف، تفاوت وجود دارد. مقایسه نتایج ناشی از این پژوهش و بررسی چارچوب و مدل نظری این پژوهش، بیانگر همسویی نتایج با پژوهش‌های مشابه در مورد فرضیه‌های مطرح شده بود.

واژه‌های کلیدی: باورهای جنسیتی، نقش خانه‌داری، باورهای سنتی، فرهنگ مرد سالاری، تهران.

۱- دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گروه علوم اجتماعی، گرمسار، ایران.

۲- دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

*- نویسنده مسئول مقاله: sedaghati@gmail.com

پیشگفتار

باورهای جنسیتی مجموعه ای از باورهای مشترک فرهنگی درباره رفتار، صفات شخصیتی و سایر ویژگی‌های مردان و زنان هستند. اگر چه این باورها در بیشتر جوامع مشترک است، اما می‌توان گفت تحت تأثیر ساختار فرهنگی و اجتماعی شکل خاصی به خود می‌گیرد (Hyde, 2006; Eazazi, 2002). نقش خانه‌داری، عبارت است از کلیه وظایفی که زنان در خانه و خانواده جهت رشد و بهبود سلامت روانی خانواده به عهده دارند (Ahmadnia, 2007). خانه‌داری، در مقابل اشتغال به کار رفته و به معنای حضور در خارج از منزل و پرداختن به کاری معین در وقتی مشخص و با حقوق و مزایای تعیین شده است و خانه‌داری نوعی حضور بی‌اجر و پاداش در محیط خانه دانسته شده که فایده‌چندانی بر آن قائل نیست و نوعی بیکاری تلقی می‌شود (Sadeghi Fasaei & Mirhoseini, 2009). روی هم رفته، هر قدر زنان بیشتر تر وارد عرصه اجتماعی شوند به همان نسبت بحران هویت فردی و اجتماعی، افسردگی آن‌ها نیز کاسته می‌شود و به همان مقدار که خانه‌داری و حضور زنان در صحنه خانه ثمراتی مثبت و ارزنده، هم برای زن و هم برای اعضای خانواده و در نتیجه اجتماع دارد (Nahavandi, 2008).

جنسیت یکی از عناصر اصلی ساخت اجتماعی است که به همراه طبقه و نژاد، تجربه گروهها را شکل می‌دهد (Anderson, 1997) و باورهای جنسیتی، باورها و تصورات از پیش گرفته درباره افراد، گروهها یا اشیاء هستند (Shahshahani, 2002). نقش‌های جنسیتی به عنوان یکی از باورهای مهم در فرهنگ هر کشور جای دارد (Halpern, 2004) و پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که باورهای جنسیتی، تأثیری تعیین کننده در این امر دارند (Gavin, Galavty & Dab, 2006). هنجارهای جنسی که با نگرش‌های نقش جنسی مرسوم توأم شده‌اند، زنان را از بحث پیرامون موقعیت‌های جنسی با دوستان یا خانواده دلسرد می‌کند زیرا ممکن است به نظر برسد که داده‌های زیادی بر اساس تجربیات جنسی بسیار زیاد دارند (Greene & Faulkner, 2005). بدین گونه نگرش‌های نقش جنسیتی مرسوم، به شدت، ممکن است سرمایه‌ی جنسی زنان را که همان شبکه‌های اجتماعی و خود کارآمدی آن‌ها می‌باشد، محدود نماید (Michel, 2004).

فرض بر آن است که نگرش‌های برابری طلبی در میان زنان جوان، منجر به ایفای نقش‌های جنسی مردانه یا ارایه رفتارهای جنسی مردانه، در آن‌ها می‌شود (Avbydala, 2004). برخی از دختران، در دوره نوجوانی که در مرحله به زیر سؤال بردن هنجارهای جنسیتی مرسوم است، با پذیرش رفتارهای مردانه مرسوم، ممکن است تلاش کنند که نقش‌های برابری طلبی را به نمایش بگذارند (Strough, 2007). در ازدواج‌هایی که زنان به برابری نقش‌های جنسیتی باور دارند، در مقایسه با زنان که باورهای نقش جنسیتی سنتی دارند، بی‌ثباتی و منفی‌گرایی بیش‌تری دیده می‌شود (O'Neill, 1997). در مطالعه‌ای مشخص گردید که نگرش‌های نقش جنسیتی برابری طلب

و نگرش‌های نقش جنسیتی مرسوم در مقایسه با نگرش‌های نقش جنسیتی میانه رو، به مقدار بیش‌تر با رفتار جنسی پر خطر ارتباط دارند. این مطالعه نشان داد که شیوع رفتارهای پرخطر در دو گروه نخست، ۱۵ درصد بیش از گروه دارای نگرش‌های نقش‌های جنسیتی میانه رو بود (Leech, 2010).

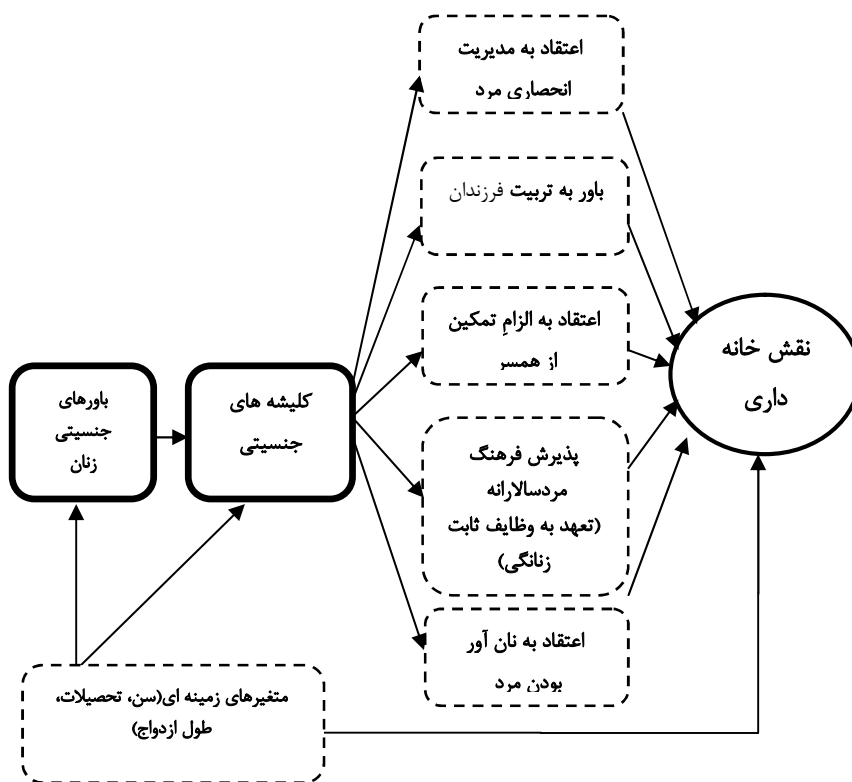
مطالعات میان فرهنگی در دوران معاصر بر جهان شمولی پدیده توزیع نقش‌ها بر حسب جنسیت مهر تأیید زده‌اند. مورداک در پژوهش خود که ۲۲۴ فرهنگ را در بر می‌گرفت، به این نتیجه رسید که برخی کارها به مردان اختصاص دارد، و برخی نیز منحصرأً به زنان واگذار می‌شود (Abbott & Wallace, 2005; Lee & Newby, 1995; Oakley, 2009). زنان حتی در خانواده‌های دو شغلی متشکل از زن و شوهر شاغل، فشار بیش‌تر کارهای خانگی بر دوش زنان سنگینی می‌کند، چون از آنان انتظار می‌رود که افزون بر کار تمام وقت در خارج از منزل، مسئولیت کارهای منزل و مراقبت از کودکان را بر عهده گیرند (French, 2007; Shepard, 1999). تحلیل‌گران شبکه اجتماعی بر این باورند که زنان به خاطر تقسیم نقش مبتنی بر جنسیت که زنان را در عرصه‌های خصوصی و خانه محدود می‌کند، عموماً پیوندهای کم‌تر و خانوادگی بیش‌تری دارند؛ زنان کم‌تر قادرند از شبکه‌شان در راستای دستیابی به منابع مؤثر و مفید استفاده کنند، در حالی که مردان استفاده‌ای بیش‌تر از شبکه‌های وسیع و چندگانه در جهت پیشرفت کاری و پیدا کردن شغل می‌کنند (Hoge, 1993). گود^۱ باور دارد که توزیع نقش‌ها بر اساس جنسیت موضوعی در اصل فرهنگی است و تنها به میزان ناچیزی به ملاحظات بیولوژیکی بستگی دارد (Herzog, 2007).

در چارچوب نظری پژوهش، لازم به اشاره است که اگر تقسیم کار براساس جنس افراد تعریف و توزیع شود، مردان منابعی بیش از زنان کسب می‌کنند. در جامعه شناسی، افراد به عنوان بازیگرانی ساخته می‌شوند که در جامعه موقعیت‌هایی را اشغال نموده‌اند و نقش‌هایی را که بر عهده دارند، بازی می‌کنند. این نقش‌ها که به واسطه هنجارهای اجتماعی خاص در هر جامعه تعیین می‌شود؛ حاوی شرح وظایفی ویژه است و انتظار می‌رود هر فرد بر اساس قواعد حاکم بر آن‌ها و استعداد و شخصیت خود در صحنه زندگی اجتماعی بازی کند. از آن‌جا که در تعیین نقش، جنسیت عامل اساسی بشمار می‌رود و اغلب بر این اساس در فرایند جامعه‌پذیری زنان و مردان با الگوها و چارچوب‌هایی متفاوت پرورش می‌یابند.

نقش‌های خانه‌داری و زناشویی به واسطه ازدواج زن و مرد شکل می‌گیرد و شامل مجموعه‌ای از نقش‌های مرتبط اند که جامعه انتظار دارد زن آن را انجام دهد. باورهای جنسیتی مجموعه‌ای از باورهای مشترک فرهنگی درباره رفتار، صفات شخصیتی و سایر ویژگی‌های مردان و زنان هستند.

^۱ -Goode

اگر چه این باورها در بیش تر جوامع مشترک است، اما می توان گفت تحت تأثیر ساختار فرهنگی و اجتماعی شکل خاصی به خود می گیرد. باورهای جنسیتی، باورهای اجتماعی مشترکی هستند که قابلیت ها و ویژگی های خاصی را به افراد نسبت می دهند و در طی زمان این باورها، می توانند به نوعی کلیشه های جنسیتی در فرآیند اجتماعی شدن زنان تبدیل گردند که مسئولیت های اجتماعی خاصی را بر آنها مترتب می کند. پیش فرض اساسی این پژوهش، آن بوده که باورپذیری زنان به کلیشه های جنسیتی سنتی، در برابر نگرش زنان در خانواده هایی که در آن باورهای برابری جویانه به صورت نوعی کلیشه در می آید، بیش تر هدایت کننده زنان به سوی ایفای نقش های سنتی مانند خانه داری می شود. موردهای اشاره شده در مدل تحلیلی زیر ترسیم شده اند.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

روش پژوهش

در این پژوهش از نظر هدف، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی بوده و از پیمایش بهره گرفته شد. جامعه آماری، شامل تمام زنان متأهل گروه های سنی ۲۰ تا ۷۰ ساله منطقه ۱۲ شهر تهران بود. این منطقه در مرکز این شهر واقع شده و با مساحتی معادل ۱۶/۹۱ کیلومتر مربع، شامل ۶ ناحیه و ۳۱ محله است و از سمت شمال به خیابان انقلاب اسلامی از جنوب به خیابان شوش، از شرق به خیابان ۱۷ شهریور و از غرب به خیابان وحدت اسلامی محدود می شود. تعداد خانوار ساکن در منطقه ۹۱۰۰۰ خانوار است و ۸۹/۲ درصد از جمعیت این منطقه باسواد و ۱۰/۲ درصد از جمعیت این منطقه بی سوادند. روش نمونه گیری، از نوع خوشه ای بود و هر ناحیه از منطقه ۱۲ شهر تهران به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. حجم نمونه از ۶ ناحیه از منطقه ۱۲ شهرداری تهران با استفاده از فرمول کوکران محاسبه و حدود ۲۰۰ نفر بدست آمد.

برای بررسی روایی ابزار اندازه گیری مورد استفاده در این پژوهش از نظر خبرگان استفاده شد و پرسش نامه طراحی شده آغازین در اختیار تعداد ۵ نفر از متخصصان قرار گرفت تا با گردآوری ارزیابی و داوری آن ها مشخص شود که ابزار سنجش پژوهش تا چه اندازه قابلیت آن را دارد که متغیرهای مد نظر در این پژوهش را مورد سنجش قرار دهد. مجموع آنچه در توافق آراء متخصصان بدست آمد، در پرسش نامه مورد توجه و اصلاح دقیق قرار گرفت و از این نظر اعتبار صوری ابزار گردآوری داده ها حاصل شد. بمنظور سنجش پایایی مقیاس طراحی شده، آزمون مقدماتی انجام گرفت و با گزارش آزمون آلفای کرونباخ مبنی بر پایایی آزمون ها، براساس تعداد ۳۰ پرسش نامه اجرا شده در جامعه آماری پایایی پژوهش مورد سنجش قرار گرفت. مقدار ضریب میانگین آلفا برای هر یک از شاخص های ابزار سنجش ۰/۹۱۵ بدست آمد که نشان می دهد از پایایی برخوردار است. همان گونه که یافته های جدول ۱ نشان می دهد تمام پرسش های پرسش نامه ضریب همبستگی مطلوبی با کل پرسش نامه داشته اند.

جدول ۱- شاخص های آمار توصیفی و پایایی عناوین مورد مطالعه.

پایایی	عناوین مورد مطالعه در پرسش نامه
۰/۹۲۱	باور زنان به سرپرستی انحصاری مرد در خانه با گرایش به ایفای نقش خانه داری
۰/۸۹۰	باور زنان به وظیفه تربیت فرزند به وسیله آن ها با گرایش به ایفای نقش خانه داری
۰/۸۹۳	باور زنان به الزام تمکین از شوهر به وسیله آن ها با ایفای نقش خانه داری
۰/۹۴۶	باور زنان به وظیفه شغلی یا نان آور بودن مرد با ایفای نقش خانه داری
۰/۹۱۶	باور زنان به فرهنگ مردسالاری در خانه با گرایش به ایفای نقش خانه داری

- در این پژوهش، با این فرض که باورهای جنسیتی زنان شهری بر ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها مؤثر است، فرضیه‌های مطالعاتی مورد بررسی قرار گرفت:
- ۱- بین باور زنان به سرپرستی انحصاری مرد در خانواده با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه وجود دارد.
 - ۲- بین باور زنان به وظیفه تربیت فرزندان به وسیله آن‌ها با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه وجود دارد.
 - ۳- بین باور زنان به الزام تمکین از شوهر به وسیله آن‌ها با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه وجود دارد.
 - ۴- بین باور زنان به سرپرستی انحصاری مرد در خانواده با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه وجود دارد.
 - ۵- بین باور زنان به فرهنگ مرد سالاری در خانه با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه وجود دارد.
 - ۶- بین باورهای جنسیتی سنتی زنان با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه وجود دارد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد پژوهش به شرح جدول ۲ بود.

جدول ۲- درصد فراوانی ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه مورد پژوهش.

سن	درصد	تحصیلات	درصد	مدت زمان ازدواج	درصد
کم‌تر از ۲۰ سال	۴	بی سواد	۱	کم‌تر از ۵ سال	۱۳/۵۰
۲۱ تا ۲۵ سال	۱۵/۵۰	زیرسیکل	۱۳	۶ تا ۱۰ سال	۲۱/۵۰
۲۶ تا ۳۰ سال	۲۲	سیکل	۱۶	۱۱ تا ۱۵ سال	۱۳
۳۱ تا ۳۵ سال	۱۷	دیپلم	۲۰/۵۰	۱۶ تا ۲۰ سال	۱۴/۵۰
۳۶ تا ۴۰ سال	۱۹/۵۰	فوق دیپلم	۲۵/۵۰	۲۱ تا ۲۵ سال	۷
۴۱ تا ۴۵ سال	۹	لیسانس	۱۷	۲۶ تا ۳۰ سال	۸
۴۶ تا ۵۰ سال	۵/۵۰	فوق لیسانس و بالاتر	۷	۳۱ تا ۳۵ سال	۵/۵۰
بیش از ۵۰ سال	۷/۵۰			۳۶ تا ۴۰ سال	۷/۵۰

بررسی فرضیه‌های رابطه ای پژوهش موارد زیر را نشان داد:

فرضیه های رابطه‌ای

یافته‌های آزمون فرضیه نخست (جدول ۳) نشان دهنده این است که بین باور زنان به سرپرستی انحصاری مرد در خانواده با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه‌ای معنادار وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر $0/448$ است که نشان دهنده رابطه مستقیم بین باور زنان به سرپرستی انحصاری مرد در خانواده و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌هاست.

یافته‌های آزمون فرضیه دوم نشان دهنده این است که بین باور زنان به وظیفه تربیت فرزند به‌وسیله آن‌ها با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر $0/237$ است که نشان دهنده رابطه مستقیم بین باور زنان به وظیفه تربیت فرزند به وسیله آن‌ها و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌هاست.

یافته‌های آزمون فرضیه سوم نشان دهنده این است که بین باور زنان به الزام تمکین از شوهر به وسیله آن‌ها با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری رابطه‌ای معنادار دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر $0/314$ است که رابطه مستقیم بین باور زنان به الزام تمکین از شوهر به وسیله آن‌ها با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها را نشان می‌دهد.

یافته‌های آزمون فرضیه چهارم نشان دهنده این است که بین باور زنان به وظیفه شغلی یا نان آور بودن مرد با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری رابطه‌ای معنادار دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر $0/211$ است که رابطه مستقیم بین باور زنان به وظیفه شغلی یا نان آور بودن مرد با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری را نشان می‌دهد.

یافته‌های آزمون فرضیه پنجم نشان دهنده این است که بین باور زنان به فرهنگ مرد سالاری در خانه با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری معنادار دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر $0/235$ است که رابطه مستقیم بین باور زنان به فرهنگ مرد سالاری در خانه با گرایش به ایفای نقش خانه نشان می‌دهد.

یافته‌های آزمون فرضیه ششم (جدول ۶) نشان‌دهنده این است که بین باورهای جنسیتی سنتی زنان با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری رابطه‌ای معنادار دارد. مقدار ضریب همبستگی برابر $0/327$ است که رابطه مستقیم بین باورهای جنسیتی سنتی زنان با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری را نشان می‌دهد.

جدول ۳- خلاصه آزمون فرضیه‌های رابطه ای

آزمون فرضیه نخست: همبستگی بین باور زنان به سرپرستی انحصاری مرد در خانواده و ایفای نقش

خانه‌داری

سطح معنی داری	مقدار خطا	نتیجه گیری	مقدار ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	وجود رابطه	۰/۴۴۸

آزمون فرضیه دوم: همبستگی بین باور زنان به وظیفه تربیت فرزند با گرایش به ایفای نقش

خانه‌داری

سطح معنی داری	مقدار خطا	نتیجه گیری	مقدار ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	وجود رابطه	۰/۲۳۷

آزمون فرضیه سوم: همبستگی بین باور زنان به الزام تمکین از شوهر و گرایش به ایفای نقش

خانه‌داری

سطح معنی داری	مقدار خطا	نتیجه گیری	مقدار ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	وجود رابطه	۰/۳۱۴

آزمون فرضیه چهارم: همبستگی بین باور زنان به وظیفه شغلی یا نان آور بودن مرد با گرایش به

ایفای نقش خانه‌داری

سطح معنی داری	مقدار خطا	نتیجه گیری	مقدار ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	وجود رابطه	۰/۲۱۱

آزمون فرضیه پنجم: همبستگی بین باور زنان به فرهنگ مرد سالاری در خانه و گرایش به ایفای

نقش خانه‌داری

سطح معنی داری	مقدار خطا	نتیجه گیری	مقدار ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	وجود رابطه	۰/۲۳۵

آزمون فرضیه ششم: همبستگی بین باورهای جنسیتی سنتی زنان و گرایش به ایفای نقش

خانه‌داری

سطح معنی داری	مقدار خطا	نتیجه گیری	مقدار ضریب همبستگی
۰/۰۰۰	۰/۰۵	وجود رابطه	۰/۳۲۷

فرضیه‌های تفاوتی

بررسی فرضیه‌های تفاوتی پژوهش نیز یافته‌های زیر را نشان می‌دهد:

فرضیه هفتم: بین باورهای جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان در سنین گوناگون تفاوت وجود دارد.

با توجه به آن که از آماره آزمون t برای این فرضیه استفاده شد، و مقدار بحرانی از جدول توزیع t بدست آمد که در این جا درجه آزادی برابر است ۹۲ با توجه به حجم نمونه ها مقدار بحرانی برابر است با $1/96 \pm$ (جدول ۴). با توجه به این که مقدار t محاسبه شده از مقدار بحرانی بیش تر است (جدول ۵) لذا، تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین، فرض صفر آماری رد شده و به بیان دیگر، فرضیه اصلی تایید می‌شود.

جدول ۴- باورهای جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان به تفکیک دو گروه سنی با استفاده از مقایسه میانگین ها.

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
سن	(... تا ۳۵)	۸۳	۱۰۵/۸	۹/۵۶۳	۰/۰۹
	(۳۵ تا ...)	۱۱۷	۱۱۶/۶	۱۳/۷۲	۰/۱۱۷۰

جدول ۵- جدول توزیع t برای فرضیه هفتم.

مقدار t مشاهده شده	درجه آزادی	مقدار بحرانی	اعتبار آزمون	نتیجه
۲/۴۸	۹۲	$\pm 1/96$	۰/۰۴۴	H_0 رد می‌شود

فرضیه هشتم: بین باورهای جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان با تحصیلات گوناگون تفاوت وجود دارد.

با توجه به آن که از آماره آزمون t برای این فرضیه استفاده شد و مقدار بحرانی از جدول توزیع t بدست آمد که در اینجا درجه آزادی برابر است ۹۱ با توجه به حجم نمونه ها مقدار بحرانی برابر است با $1/32 \pm$ (جدول ۶). با توجه به این که مقدار t محاسبه شده از مقدار بحرانی بیش تر است (جدول ۷) لذا، تفاوتی معنادار وجود دارد. بنابراین، فرض صفر آماری رد شده و به بیان دیگر، فرضیه اصلی تایید می‌شود.

جدول ۶- باور های جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان به تفکیک دو گروه تحصیلی با استفاده از مقایسه میانگین‌ها.

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
سن	تحصیلات دانشگاهی	۹۹	۱۰۲/۴	۹/۸۹۱	۰/۰۹۶
	تحصیلات غیر دانشگاهی	۱۰۱	۱۲۱/۸۷	۱۴/۰۱۲	۰/۱۱۴

جدول ۷- جدول توزیع t برای فرضیه هشتم.

مقدار t مشاهده شده	درجه آزادی	مقدار بحرانی	اعتبار آزمون	نتیجه
۲/۰۶	۹۱	±۱/۳۲	۰/۰۳۸	H0 رد می شود

فرضیه نهم: بین باور های جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان با طول مدت ازدواج آن‌ها تفاوت وجود دارد.

با توجه به آن‌که از آماره آزمون t برای این فرضیه استفاده شد و مقدار بحرانی از جدول توزیع t بدست آمد که در این‌جا درجه آزادی برابر است ۹۶ با توجه به حجم نمونه‌ها مقدار بحرانی برابر است با $\pm 1/36$ (جدول ۸). با توجه به این‌که مقدار t محاسبه شده از مقدار بحرانی بیش‌تر است (جدول ۹) لذا، تفاوتی معنادار وجود دارد. بنابراین، فرض صفر آماری رد شده و به بیان دیگر فرضیه اصلی تایید می‌شود.

جدول ۸- باور های جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان به تفکیک طول مدت ازدواج با استفاده از مقایسه میانگین‌ها.

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
سن	(... تا 10)	۷۰	۱۰۶/۴	۹/۹۰۱	۰/۹۳
	(10 تا ...)	۱۳۰	۱۳۲/۳۴	۱۴/۸۵۶	۰/۱۱۲

جدول ۹- جدول توزیع t برای فرضیه نهم.

مقدار t مشاهده شده	درجه آزادی	مقدار بحرانی	اعتبار آزمون	نتیجه
۱/۹۸	۹۶	±۱/۳۶	۰/۰۴۱	H0 رد می شود

نتیجه‌گیری

براساس نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها می‌توان گفت هر چه باور زنان نسبت به سرپرستی مرد در خانواده بیش‌تر و عمیق‌تر باشد، زنان به ایفای نقش خانه‌داری تمایلی بیش‌تر دارند. البته، این موضوع بیانگر این مطلب نیست که عدم باور زنان به سرپرستی انحصاری مرد موجب عدم گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها می‌شود. این موضوع با پژوهش انجام شده به وسیله صادقی (۱۳۸۵) که نشان داد زنان در ایفای نقش خانه‌داری خود متأثر از سوی فرهنگ مرد سالاری هستند و کم‌تر باورهای‌شان را در حیطه عمل دخیل می‌سازند و در پژوهش اریکسون (۱۹۹۶) که روند کلی انجام کارها بر مبنای جنسیت می‌داند و مرد مدیریت این روند را بر عهده دارد، همسو نشان می‌دهد.

تایید این فرضیه که بین باور زنان به وظیفه تربیت فرزند به وسیله آن‌ها با گرایش به ایفای نقش خانه‌داری آن‌ها رابطه وجود دارد نشان می‌دهد که زمانی که زنان تربیت فرزندان را جزئی از وظایف خود بدانند در ایفای نقش خانه‌داری که تربیت فرزندان جزئی از آن است بهتر عمل می‌کنند. یافته‌های بدست آمده با یافته‌های پژوهش ندری ابیانه (۱۳۸۹) که بیان کرده است باورهای زنان در تربیت فرزند و خانه‌داری آن‌ها تاثیرگذار است و زنان شاغل در صورت مشغله زیاد آسیب جبران‌ناپذیری به خانواده بویژه به فرزندان می‌رساند و احتشام زاده (۱۳۸۵) که بیان نموده تحول نقش‌های جنسیتی زنان در تربیت فرزندان و انجام وظایف محوله تاثیرگذار است، همسو می‌باشد.

بر اساس نتایج آماری بدست آمده زنان با سن بیش‌تر نسبت به زنان با سن کم‌تر میانگین نمره بیش‌تری کسب کرده‌اند و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری در باورهای جنسیتی زنان با سن بیش‌تر از زنان با سن کم‌تر بیش‌تر است. یافته‌های بدست آمده در پژوهش احتشام زاده (۱۳۸۵) و سوک لی و رایت (۱۹۸۸) نیز این موضوع را تایید می‌کند. در این پژوهش‌ها گفته شده است که باورهای جنسیتی زنان با افزایش سن تغییر می‌کند و در مسایل زناشویی اثرات زیادی می‌گذارد.

بر اساس نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه بین باورهای جنسیتی و گرایش به ایفای نقش خانه‌داری زنان با تحصیلات گوناگون تفاوت وجود دارد. این یافته با یافته‌های احتشام زاده (۱۳۸۵)، همبی و ندیس (۱۹۹۷) و کنراد و هریس (۲۰۰۲) همسو نشان می‌دهد، بدین‌گونه که در این پژوهش‌ها گفته شده با افزایش سطح تحصیلات، اشتغال و کسب درآمد اقتصادی زنان نسبت به گذشته، تمایل زنان برای تغییر نقش‌های جنسیتی، بیش از مردان است. بنابراین، احتمال می‌رود شمار بیش‌تری از زنان، رفتار انفعالی خود را در برابر تبعیض‌ها و خشونت‌ها در فضای خانواده تغییر داده و رفتاری فعالانه‌تر را برای کسب قدرت در خانه نشان دهند.

دسته‌بندی نقش‌های جنسیتی زنان، به عنوان مقوله‌های سیاه و سفید، ناشی از سوگیری‌هایی شناختی در مورد ویژگی‌های بوده است. زیرا گرایش ذهنی اولیه انسان در برخورد با پدیده‌های پیچیده، تبدیل کردن آن‌ها به کارهایی ساده تر و قابل فهم تر می‌باشد. بنابراین، از آن‌جا که انسان در هنگام رویارویی با پدیده‌های پیچیده، گاهی بر اساس تعبیر و تفسیرهای ذهنی خود، دست به نظریه‌پردازی شهودی می‌زند و این نظریه‌پردازی‌های شهودی گاهی ارزیابی ادمی را از روابط علت و معلولی دچار سوگیری می‌کند، در مورد نقش‌های جنسیتی زنان نیز که دارای پیچیدگی می‌باشند، به احتمال زیاد، دچار چنین سوگیری‌هایی شده است. به گونه‌ای که نقش‌های جنسیتی نسبت داده شده به زنان (مانند پرورش و مراقبت از فرزند و آموزش نظم و پشتکار در کارها به او و تمکین از همسر و ...)، به دلیل بطئی و دیر هنگام بودن نتایج بدست آمده از آن‌ها، مورد بی‌توجهی قرار گرفت. در نتیجه زن به عنوان کسی که در کوتاه مدت هیچ کار مهمی را انجام نمی‌دهد، در درجه دوم قرار می‌گیرد. شکل‌گیری تبعیض‌ها بر علیه زن در جامعه و پس آن به راه افتادن نهضت‌های ضد تبعیض علیه زنان و طرفدار تساوی حقوق زن و مرد، پیامد همین تقسیم بندی‌های نادرست از نقش‌های جنسیتی بود.

با افزایش سن، تجربه، سطح تحصیلات، اشتغال و کسب درآمد اقتصادی زنان نسبت به گذشته، تمایل زنان برای تغییر نقش‌های جنسیتی، بیش‌تر می‌شود. که این تغییرات می‌تواند مثبت و یا منفی باشد و احتمال می‌رود شمار بیش‌تری از زنان، رفتار خود را در برابر خانواده تغییر داده و رفتاری فعالانه‌تر را برای تغییر جایگاه در خانه نشان دهند. از سوی دیگر، به دلیل تمایل کم مردان برای تغییر نقش‌های جنسیتی سنتی، احتمال افزایش مشاجرات بین زوجین و در نهایت، بی‌ثباتی بر خانواده، بعید نمی‌باشد. پژوهش‌های انجام شده، پیامدهای منفی باورهای سنتی مربوط به نقش جنسیتی بر خانواده را نشان داده‌اند. حفظ باورهای سنتی در مردان و تغییر این باورها در زنان، ممکن است زنان را به سوی تلاش مضاعف در امور اجرایی بیرون از خانه سوق دهد، تا بدین ترتیب توانمندی خود را به عنوان یک انسان صاحب اختیار به نمایش بگذارند. در چنین شرایطی اگر مردان همچنان بر مواضع سنتی قبلی تأکید کنند و زنان نیز خواستار تغییر سریع و صد در صد باورهای سنتی مربوط به نقش‌های جنسیتی باشند، فضای روانی نا امن و پر از تنش را برای خود و فرزندان‌شان ایجاد خواهند کرد. به نظر می‌رسد امروزه بدون زمینه‌سازی درباره تغییر باورهای نامطلوب جنسیتی، ایفای نقش به شدت فعالانه از سوی زن برای کسب قدرت بیش‌تر در خانه و یا مقابله به مثل، پیش از آن‌که منجر به احقاق حق زنان گردد، منجر به بی‌ثباتی خانواده خواهد شد. امید است با پژوهش‌های بیش‌تر در این زمینه و ارائه راهکارهای مطلوب‌تر و استفاده خانواده‌ها و بانوان از مشاورین خانواده، باورهای جنسیتی تأثیرات مثبت بیش‌تری بر ایفای نقش خانه‌داری زنان داشته باشند تا خانواده‌های موفق موجب بوجود آمدن جامعه موفق و سربلند باشد.

Reference

- Abbott, P & Claire W. (2004). *Women's Sociology*. Translated by Manijeh Najm Iraqi. Tehran: Ney. Persian.
- Ahmadnian, S . (2006). *Gender Differences in Health: Why and How Women Are Sicker*. Persian.
- Anderson, M.L. (1997). *Thinking about women, Sociological perspectives on Sex and Gender*, Allyn & Bacon.
- Asai S.G & Olson, D.H (2004). Five Types of marriage: An Emirical typology based on ENRICH. *The family Journal*, 1(3), 196-207
- Carlson, Neil R. (1993).” *Psychology: The Science of Behavior*”, Boston: Allyn.
- Ehteshamzadeh, P. (2006). *Transition of Women's Gender Roles and Mental Health of Family*, Master's Degree Thesis in University of Ahvaz. Persian.
- Ezazi, S. (2001). *Analysis of Gender Perspectives in Iran* . Article presented in training workshop. Persian.
- French, Marilyn. (1994). *War against Women* . Toorandokht Tamadon. Tehran: Elmi Publications.
- Ghayumi, R. (2009). *Study of the Factors Affecting Acceptability of Gender Roles in Private and Public Fields,with Emphasis on Religion and Family*. Persian.
- Gavin, L. Galavotti, C. Dube, H. (2006). Factors associated with HIV infection adolescent females in Zimbabwe. *Adolesce Health*, 39, 296-612.
- Green , K. & Faukner, S. (2005). Gender, Belief in the sexual double standard, and sexual talk in heterosexual dating relationships. *Sex Roles*, 53, 239-51
- Halpern, D.F. (2004). A cognitive process taxonomy for sex differences in cognitive abilities. *Cllrent Directiolls in Psychological Sciellce*, 13, 5 -139.
- Harvey, L. MacDonald, M. (1993). *Doing Sociology*, London: The MacMillan Pres LTD.
- Herzog, S. (2007). Public perceptions of sexual harassment: An empirical analysis in Israel from consensus and feminist theoretical perspectives. *Sex Roles*, 57, 579-92.
- Hoge, R.D. (1993). Exploring the link between giftedness and self-concept. *Review of Educational Research*, 63, 449-456.
- Hyde, Sh. (2005). *Women's Psychology. Women's Share in Human Experience*. Translated by Akram Khamsheh. Tehran: Agah. Persian.
- Kammeyer, K.C.W, et. al. (1989). “*Sociology*”, Boston and London: Allyn and Bacon
- Leech, T.G.J.(2010). Everythings Better in Moderation: Young women s Gender Role Attitudes and Risky Sexual Behavior, *Adolescent Health*, 1-7.
- Mischelle, A. (1975). *Family and Marriage Sociology* .(Farangis Ardalan). Tehran : Social Sciencs and Cooperation University. Persian.

- Nadri Abyaneh, F. (2010). Beliefs, Homemaking, Occupation and Women of Iran. Sadra Islamic Wisdom Foundation. Persian.
- Nahavandi, M. (2007). Study of Work Ethics of Employees of University of Tehran, with a view on Gender. PhD Thesis. Guided by Dr. Gholamabbas Tavasoli, Tehran, University of Tehran. Social Sciences Faculty. Persian.
- Spenle, B. & Ann Mary, R. (1993). Concept of Role in Social Psychology. Translated by Abolhassan Sarv Moghadam. Mashhad: Astan Qods Razavi Publications.
- Oakley, A. (1976). "Woman's Work: The Housewife, Past and Present", New York: Vintage Books.
- Obeidallah, D. Brenan, R. & Brooks-gunn, J. (2008). Links between pubertal timing and neighborhood contexts: Implications for girls violent behavior. J Am A CAD child Adolesc Psychiatry, 43, 1460-8
- Onil, M. (1995). Women's Role in Development, Social Theorization of Book of Development, Translated by A. Zahedi. Tehran : Tose'eh
- Sarokhani, B. (1991). Social Sciences Encyclopedia . Tehran : Keyhan Publications Organization. Persian.
- Sadeghi Fasaei, S. & Mirhosseini, Z. (2009). "Sociological Analysis of the Factors Affecting Fear from Crime among Women in Tehran", Letter of Social Sciences. Year 17, Issue No.36. Persian.
- Sadeghi, M. (2005). Impact of Gender Beliefs on Carrying out Women's Domestic Roles. (Case Study of Married Women in Sanandaj University of Medical Sciences) Master's Degree Thesis in the Field of Women Study, Social Sciences Faculty of Allameh University. Persian.
- Safiri, Kh. (2007). Study of the Relationship of Gender-Based Stereotypes and Conflict of Marital Roles in Young Couples. Master's Degree Thesis in Alzahra University. Persian.
- Shahshahani, H. (2001). Roshd Monthly. Issue No.2. Women and Society. Persian.
- Shepard, J. M. (1999). "Sociology", New York and Boston: Wadsworth.
- Strough, J. Leszcznski, J. & Neely, T. (2007). From adolescence to later adulthood: Femininity, masculinity, and androgyny in six age groups. Sex Roles, 57, 385-96.
- Tong, R. (1997). Feminist Thought, London: Routledge.